

اما از فیلم‌های ساخته شده درباره مارادونا – تا به امروز– می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

عشق به مارادونا (۲۰۰۵) به کارگردانی خاویر وازکز (Javier Vázquez) کارگردان آرژانتینی، او در فیلمش مارادونا را یکی از بزرگترین و مؤثرترین بازیکنان تاریخ فوتبال تصویر می‌کند و به زندگی او به عنوان پسری که در فقر بزرگ شد و به ستاره‌ای بی‌بدیل در دنیای ورزش بدل شد، می‌پردازد. موضوع رفتن به کوبا و ترک اعتیاد و بازگشت دوباره به زندگی هم یکی از بخش‌هایی است که در این فیلم دیده می‌شود. دست‌خدا (۲۰۰۷) ساخته مارکو ریس‌ی (Marco Risi) کارگردان ایتالیایی است. فیلم در نهایت خیلی موفق نبود؛ اگر چه به مجاری دست‌خدا، همان تویی که مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ با دست وارد دروازه انگلستان کرد و این تیم را از رسیدن به نیمه نهایی بازداشت و اشاره به تنش‌های پس از جنگ انگلیسی‌ها و آرژانتینی‌ها بر سر جزایر فالکلند، به ثبت رسید و مارادونا آن را دست انتقام خداوند از انگلیسی‌ها می‌دانست. اگرچه سر بابی رابسون، سرمربی وقت انگلیس، آن را دست شیطان نام نهاد! تلاش کارگردان این بود که تصویری از زندگی واقعی ال دیه‌گو ارائه کند. مارادونا، به روایت کاستاریکا (۲۰۰۸) به کارگردانی امیر کاستاریکا است که در ادامه به این فیلم خواهیم پرداخت. این فیلم در سال ۲۰۰۸ روی پرده سینما به نمایش در آمد. این فیلم مستند توانست برای امیر کاستاریکا موفقیتی را در مستندسازی و برای مارادونا رضایت خاطر از ساخته شدن یک اثر خوب را به همراه بیاورد چندان که فیلمساز در این باره می‌گوید: من در طول زندگی‌ام چند بار از نو متولد شدم که یکی از آنها زمان ساخت این فیلم بوده است. مارادونا ۸۶ (۲۰۱۴) ساخته سم بلیر (Sam Blair) درباره مارادونا و حضورش در جام جهانی ۱۹۸۶ است. او در این فیلم بر این عقیده است که دیه‌گو فراتر از هر سختی، آرژانتین را قهرمان جهان کرد. او هم در این فیلم به سراغ موضوع دست‌خدا می‌رود و دیدگاه خود را بیان می‌کند. دیه‌گو مارادونا (۲۰۱۹) ساخته آصف کاپادیا (Asif Kapadia) یکی دیگر از ماندگارترین فیلم‌های فوتبالی و ورزشی است. این فیلم حق مطلب را در مورد فوتبال ادا می‌کند و استفاده درست و بجا از صحنه‌های آرشیوی فوتبال و بازی مارادونا بر اساس تاریخ و شرایط بازی‌ها از ویژگی‌های قابل توجه آن است. این فیلم از جمله فیلم‌هایی است که پژوهش مناسبی دارد و در نهایت کار را فوق‌العاده جلوه می‌دهد. این فیلم هم در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹ به نمایش گذاشته شد.



یادداشت دوم:

دیه‌گو مارادونا

آصف کاپادیا کارگردان بریتانیایی هندی الاصل است که برای ساخت مستند «امی» با موضوع زندگی «امی واینهاوس»، خواننده و ترانه‌سرای بریتانیایی برنده جایزه اسکار شده است. او فیلم «سنا» را درباره زندگی آیرتون سنا، راننده برزیلی رالی که در ۳۴ سالگی در یک مسابقه اتومبیلرانی کشته شد، ساخت.

فیلم ۱۴۰ دقیقه‌ای «دیه‌گو مارادونا» که آخرین قسمت از این سه‌گانه است، سال‌های حضور مارادونا، این اسطوره فوتبال را در باشگاه ناپل ایتالیا در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ روایت می‌کند که از طرفی بهترین سال‌های فعالیت این فوتبالیست بود و حتی ناپل را به شهری مطرح تبدیل کرد و از سوی دیگر، به جدایی تلخ میان ناپل و مارادونا و دشمنی‌های ایتالیایی‌ها در حق او انجامید. این فیلم دارای پژوهشی خوب و خط روایی تاریخی درست است که به خوبی به زندگی شخصی، حرفه‌ای، سیاسی و اجتماع همسو با این چهره ورزشی پرداخته است.

این فیلم نیز نشان‌دهنده عشق به این بازیکن و بیان حرفه‌ای یک اثر مستند است. ریتم کار بسیار خوب و حتی نفسگیر است. جملاتی کلیدی از افراد مختلف و حتی خود مارادونا مخاطب را مرتب به پیش رفتن و فکر کردن وا می‌دارد و اینکه مارادونا، بی‌جهت اسطوره نیست، حتی در شکست‌ها و ناکامی‌ها. فیلم، مارادونایی را نشان می‌دهد که برای آرژانتین تلاش می‌کند. او آرژانتین را تبدیل به آرژانتینی می‌کند که جهان آن را می‌شناسد. آرژانتینی که در آمریکای جنوبی است و باید در طول تاریخ ضعیف بماند اما اسطوره‌های این کشورها مثل پله در برزیل و یا مارادونا در آرژانتین کشورشان را جهانی می‌کنند. در جایی از فیلم مادر مارادونا می‌گوید او بهترین مادر دنیاست که او فرزندش است. و یا جمله‌ای که خودش می‌گوید: «می‌خواهم تاریخ‌ساز باشم.» مارادونا با فوتبال به ظلمی که انگلیسی‌ها به کشورش کردند، جواب داد.

در جایی از فیلم زمانی که بازی فوتبال بین آرژانتین و ایتالیا را در جام

یادداشت اول: مارادونای کاستاریکا

این مستند زمانی ساخته شد که شور و شوق درباره آمریکای لاتین اوج گرفته بود و حالا امیر کاستاریکا ساخت مستندی را درباره مارادونا آغاز می‌کند و موفق می‌شود در بخش خارج از مسابقه کن آن را به نمایش بگذارد. س اخت این مستند از سال ۲۰۰۵ آغاز شد و ۲۰۰۸ به پایان رسید. مستندی با نام «مارادونا به روایت کاستاریکا» (Maradona By Kusturica).

فیلم امیر کاستاریکا به زاویه‌های مختلفی از زندگی مارادونا، از جمله فوتبال، جام جهانی ۱۹۸۶ تا اعتیاد او به مواد مخدر می‌پردازد؛ همچنین موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی و سیاسی او را نشان می‌دهد. درباره این فیلم باید گفت تا عاشق این شخصیت نباشی، نمی‌توانی کاری را پیش ببری و گفت‌وگوهای این دو در فیلم نشان‌دهنده آن است. فیلمی برای یک اسطوره. با تمام ناکامی‌ها و تلخی‌هایی که مارادونا داشته و البته همین‌ها او را اسطوره کرد.

فیلم با جمله‌ای از شارل بودلر فرانسوی آغاز می‌شود و بی‌ارتباط با مارادونا نیست: «خدا تنها موجودی است که برای حکمرانی نیازی به زنده بودن ندارد.» و «خدا» تا آخر فیلم بارها تکرار می‌شود. فیلم با موسیقی «خوب، بد، زشت» شروع می‌شود. چیزی که در کل زندگی مارادونا جاری است و البته در این میان به فوتبال و گل‌ها و بازی پراعجاز او نیز می‌پردازد. همه مارادونا را با جام مکزیک ۱۹۸۶ در اوج و یا ۱۹۹۰ در ناکامی می‌بیند و می‌داند.

اما قدرت خداگونه مارادونا یا همان اسطوره بودن را امیر کاستاریکا در طول فیلم جاری می‌کند. او به خوبی نشان می‌دهد که مارادونا فقط یک فوتبالیست

مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶. تصویر از فیلم مارادونا به روایت کاستاریکا.

جهانی ۹۰ نشان می‌دهد، فیلمساز اشاره به بزرگترین نقطه عطف در زندگی مارادونا دارد. جایی که مارادونا را از نظر غرب به پایان کشاند. و در فیلم تأکید می‌شود که با رفتن آرژانتین به فینال شرایط برایش بدتر و بدتر شد. زمانی که آنها به او گفتند: دیگه کافیه! و حمایت‌ها تبدیل به خشونت شد. فیلمساز با استفاده از آرشیو، مصاحبه‌ای را نشان می‌دهد که اشاره به شیوه ماکیاولی در صحبت‌های مارادونا قبل از این بازی دارد (چرا که مردم ناپل مارادونا را به جای تیم ملی‌شان تشویق کردند) و داستان ماسانیلو و عاقبت هولناکش را مطرح می‌کند و بلافاصله با تصاویری از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها تا جایی می‌رود که مارادونا را منفورترین شخصیت نشان می‌دهد.

فیلم به خوبی به مافیای زشت فوتبال و نابودی یک انسان می‌پردازد. چیزی که همیشه وجود دارد اما مارادونایی که همیشه قراتر از یک فرد عادی پیش می‌رود، حتی ناکامی‌اش هم قصه‌ساز است. همانطور که در انتهای فیلم بیان می‌شود: دیه‌گو زندگی دوگانه‌ای داشت هم باشکوه، هم فاجعه‌بار.

فیلم آصف کاپادیا مارادونا را قضاوت نمی‌کند، اغراق نمی‌کند، خط به مخاطب نمی‌دهد. پژوهشی اساسی در تاریخ فوتبال مارادونا دارد، سندیت‌های تصویری را درست ارائه می‌دهد و از چهره‌های بزرگ در فیلم استفاده کرده؛ به عنوان مثال حضور پله و صحبت‌هایش. کاپادیا عاشقانه و حرفه‌ای مارادونا را در لایه‌لای دیگر قصه‌های خوب و تلخش جای می‌دهد. تمرین‌ها، بازی‌های باشگاهی، ملی و جام جهانی، جام جهانی مکزیک که در تمامی فیلم‌هایی که از مارادونا ساخته شده وجود دارد و اشاره به دست‌خدا. در این فیلم مارادونا یک قهرمان واسطوره است. قهرمانی که جسارت اشک ریختن برای اشتباهاتش را دارد. قهرمانی که برای همه جهان خاطره‌سازی کرده است. زمان زیاد فیلم نشان از حجم زیاد اتفاق در زندگی این مرد فوتبال است.

فیلم پر از تضاد است، عشق، خدا، تخلف، جنگ، تلاش، سیاست، زندان، زندگی و…



نیست، اواز مرزهای کشورها گذشته و محبوبیتی فرامرزی دارد. از کبرهای بوئنوس آیرس تا سواحل اندونزی و فیلیپین، حضور سیاستمداران در کنار او و دوستی کردن با او.

مارادونا برای اکران این فیلم در جشنواره کن حضور داشت و با دودخترش به تماشای فیلم آمد. او در جلسه گفت‌وگوی این فیلم معتقد بود که این فیلم درباره خودش است و فیلم را دوست دارد. مارادونا درباره تمام ضعف‌ها و خطاهایش به راحتی صحبت می‌کند و معتقد است که زنده مانده تا جبران کند. آنچه امیر کاستاریکا از مارادونا به تصویر کشیده است با مارادونا تفاوتی ندارد. مستندی است، مستند و مطلوب شخصی که قهرمان اصلی است. ما در طول مستند با ریتم و موسیقی کارپیش می‌رویم. موسیقی آن چیزی است که در آرژانتین و آمریکای جنوبی زنده و جاری است. آنچه کار امیرکاستاریکا را جذاب‌تر کرده، گفت‌وگوها و حضور خودش در فیلم با مارادوناست. این امر علاقه او به مارادونا را بیشتر نشان می‌دهد و مارادونا که بسیار راحت با اوصحبت می‌کند و در انتها نیز فیلم با موسیقی زیبایی درباره مارادونا و حضور خود او در مقابل نوازنده‌ها و ختم شدن به صحنه‌های هد زدن با سر که سیاه و سفید است، تمام می‌شود. مارادونایی که در انتها، در حال نگاه کردن به نوازنده‌هاست، مارادونای پیروز و بازنده است. مارادونایی که همه می‌دانند سیاست‌ها و مافیاه‌ا با او چه کرد هر چند که رسانه‌ها درباره‌اش بد بنویسند، مردمی که نمی‌توانند عمیق نگاه کنند و او را انسانی بد و متقلب و کواکبینی خطاب کنند چرا که در نهایت مارادوناست. و امیر کاستاریکا این را به خوبی نشان داد.



دیه‌گو مارادونای آصف کاپادیا یک مستند عالی در حوزه ورزش است که در ساختار و ارائه بسیار موفق است. به خوبی به بیان چهره یک ورزشکار پرداخته شده است. نه اغراقی دارد و نه مقصودی. مارادونا را همان‌که هست فقط با قدرت ارائه خوب توسط سازنده اثر نشان می‌دهد. قضاوت را به مخاطب می‌سپارد و به زیرکی از خیلی مسائل پرده‌برداری می‌کند. مارادونای کاپادیا را هم می‌توان فیلمی کامل از دیه‌گو آرماندو مارادونای فرانکوی آرژانتینی دانست.